



University of Tehran Press

Social Capital Management

Home Page: <https://jscm.ut.ac.ir/>

Online ISSN: 2423-6233

Examining Governance Strategies for Favorable Cyberspace Policymaking in Order to Promote Family Social Capital

Mohammad Hossein Zarifian Yeganeh 

Faculty of Management and Accounting, University of Tehran, College of Farabi, Qom, Iran. Email: mhzarifian@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:

Received: February 03, 2025
Revised: April 15, 2025
Accepted: April 22, 2025
Published online: September 08, 2025

Keywords:

Social capital,
Policymaking,
Cyberspace,
Family,
Media management.

ABSTRACT

Cyberspace, as a second world for human life, has transformed the level of communication into two parallel layers. The result of this parallelism is the dual spatialization of all phenomena, including the family. In this article, the three approaches of "instrumentalism," "essentialism," and "interactionism" are intersected with the three approaches of "liberalism," "authoritarianism," and "socialism." The result of this correspondence is three types of "technology's subordination to human thinking," "technology's autonomy," and "two-way interaction between technology and humans." On the other hand, important aspects of the family are formulated in three structural, cognitive, and communicative dimensions. The purpose of the present study is to address the question of what are the governance policies for desirable cyberspace policymaking in order to promote the social capital of the family? Therefore, using the content analysis method based on a qualitative approach and referring to various sources including books, scientific articles, and research reports, the answer to this question has been examined. The research findings reveal that by adopting strategic policies, such as identifying and restoring the dual-space family system, strengthening the family's understanding of cyberspace, and supporting content production through it, the government can create opportunities from cyberspace and use it to promote the family's social capital.

Cite this article: Zarifian Yeganeh, M. H. (2025). Examining Governance Strategies for Favorable Cyberspace Policymaking in Order to Promote Family Social Capital. *Social Capital Management*. 12 (3), 321-335. <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.389855.2566>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.389855.2566>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

مدیریت سرمایه اجتماعی

سایت نشریه: <https://jscm.ut.ac.ir/>

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده

محمد حسین ظریفیان یگانه*

عضو هیات علمی دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: mhzarifian@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

کلیدواژه:

خانواده،
سرمایه اجتماعی،
سیاستگذاری،
فضای مجازی،
مدیریت رسانه.

فضای مجازی به مثابه زیست‌جهان دوم برای حیات انسانی سطح ارتباطات را به دو لایه موازی بدل کرده است. حاصل این توازی دوفضایی شدن همه پدیده‌ها از جمله خانواده است. در این نوشتار سه رویکرد «ابزارگرایی»، «ذات‌گرایی»، «تعامل‌گرایی» در قلمرو ماهیت جهان مجازی با سه رویکرد «آزاداندیشی»، «اقتدارگرایی»، «اجتماع‌گرایی» در عرصه سیاستگذاری فضای مجازی در تقاطع قرار می‌گیرند. حاصل این تناظر سه گونه «تبعیت فناوری از تفکر انسانی»، «خودمداری فناوری»، «تعامل طرفینی فناوری و انسان» است. از دیگر سو جنبه‌های مهم خانواده در خصوص سرمایه اجتماعی در سه بعد ساختاری، شناختی، ارتباطی صورت‌بندی می‌شود. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که سیاست‌های حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده چیست؟ از این‌رو با استفاده از روش تحلیل محتوا مبتنی بر رویکرد کیفی و مراجعه به منابع مختلف از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی، و گزارش‌های پژوهشی پاسخ این پرسش مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حاکمیت با اتخاذ سیاست‌هایی راهبردی مانند شناسایی و بازیابی نظام خانواده دوفضایی، تقویت شناخت خانواده از فضای مجازی و حمایت از تولید محتوا توسط آن، و ... می‌تواند از فضای مجازی تولید فرصت کند و آن را جهت ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده به کار گیرد.

استناد: ظریفیان یگانه، محمدحسین (۱۴۰۴). راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده. مدیریت سرمایه اجتماعی، ۱۲ (۳): ۳۲۱-۳۳۵. <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.389855.2566>

© نویسندگان. ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jscm.2025.389855.2566>



مقدمه و بیان مسئله

فضای مجازی عرصه شبیه‌سازی واقعیت‌هاست و بستر ساز فضای نوین ارتباطات است. این فضا که فاصله زمانی و مکانی را از بین برده ارتباطات را به سطحی دولایه تبدیل کرده و عملاً دو فضا برای زیست انسان به وجود آورده تا آنجا که این زیستگاه بخشی از حیات انسان‌ها شده است. زیست‌بوم فرهنگی جهان کنونی، علاوه بر شکل‌گیری از عناصر عینی و خارجی، از مؤلفه‌های مجازی نیز ساخت می‌یابد که جهانی شدن و توسعه فناوری و ارتباطات سبب اصلی آن است. در چنین شرایطی، که فاصله زمانی و مکانی از بین رفته است، ارتباطات به سطحی دولایه بدل شده است و عملاً دو فضا را برای زیست مهیا می‌کند. پارادایم دوفضایی شدن‌ها نگاهی است که به تبیین و متمایز ساختن دو جهان موازی و در عین حال مرتبط و درهم‌آمیخته در یک‌دیگر می‌پردازد و جهانی شدن‌های متکثری را در درون خود مورد توجه قرار می‌دهد. با این رویکرد، مهم‌ترین تغییر جهان معاصر که بنیان تغییرات آینده جهان را رقم می‌زند رقابتی شدن جهان واقعی و جهان مجازی است. ظهور جهان جدید، یعنی «جهان مجازی»، که آن را «جهان دوم» نیز می‌خوانند، بسیاری از نگرش‌ها و روندها و ظرفیت‌های آینده جهان را تحت تأثیر خود قرار داده و خواهد داد. جهان دوم به موازات و گاه مسلط بر جهان واقعی ترسیم و در فضای مجازی عینیت پیدا می‌کند. این دو جهان از یک رابطه انعکاس هندسی برخوردارند و دادوستدهای بی‌شماری میان آن‌ها جریان دارد.

روشن است که این عرصه با همه گستردگی و اثرگذاری‌اش نیاز به سیاستگذاری جامع و هوشمندانه دارد و نقش حاکمیت در سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی اتخاذ و اجرای سیاست‌های کارآمد است. آنچه در این میان نیاز به توجه ویژه دارد ساحتی از جامعه است که مواجهه تنگاتنگ با فضای مجازی پیدا کرده و اثرپذیری فراوانی از این فضا دارد. این ساحت نهاد خانواده است که از قضا می‌تواند با کنشگری در این فضا اثرگذار بر آن باشد. اما آنچه شاهدیم ظهور شکلی از خانواده است که تا پیش از این سابقه نداشته و آن خانواده دوفضایی است.

خانواده دوفضایی یکی از واقعیت‌هایی است که در زیست‌بوم فضای مجازی شکل گرفته است؛ خانواده‌ای که عملاً بخشی از آن در فضای خارجی و بخشی از آن در فضای مجازی زیست می‌کند. این دوزیستی شامل شوق حضور و زمان آن، سامان‌دهی عواطف و هیجانات، تعامل و گفت‌وگو، و ... می‌شود؛ نحوه‌ای از وجود دو ساحتی که تعالی خانواده را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخته است که طبقه‌بندی نسل‌ها و شکاف عاطفی میان آن‌ها، غلبه فرهنگ شهرت و سلبریتی و از بین رفتن مرجعیت خانواده، افول نظام ارزشی خانواده در چارچوب زیست‌بوم فرهنگی آن و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های متکثر، تلقی مصرف‌گرایی از خانواده به جای بازتولیدکننده ارزش، و در نهایت تشویش در هویت جنسیتی نمونه‌هایی از این دست است.

چنان که خواهد آمد، خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی از سه حیث ساختاری، شناختی، ارتباطی واجد ابعاد است که می‌طلبد با هدف ارتقای آن و با توجه به آن ابعاد پیشنهادی سیاستی تدوین و اجرایی شود. نظر به آنچه گذشت ضروری است در قدم نخست ماهیت فضای مجازی را شناخت و سپس سیاستگذاری فضای مجازی را مورد بحث قرار داد.

در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده سامان یافته است. سؤال اصلی پژوهش این است که با چه سیاست‌هایی می‌توان در عرصه حکمرانی فضای مجازی به تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده کمک کرد؟ به منظور پاسخگویی به این سؤال، ابتدا به تبیین چستی و ماهیت فضای مجازی و بررسی رویکردهای مختلف به این پدیده پرداخته می‌شود، سپس رویکردهای مختلف در سیاستگذاری فضای مجازی مورد واکاوی و تحلیل قرار می‌گیرد، و در یک تناظر میان دیدگاه‌های حاکم بر فضای مجازی و نیز سیاستگذاری آن تأثیر نگاه مختار بر سرمایه اجتماعی خانواده بررسی می‌شود. در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی برای بهینه‌سازی سیاستگذاری در فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده ارائه خواهد شد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند مورد استفاده سیاستگذاران، برنامه‌ریزان، و سایر دست‌اندرکاران حوزه خانواده و فضای مجازی در تدوین و اجرای سیاست‌های کارآمد به منظور ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده قرار گیرد. همچنین، این پژوهش می‌تواند به افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و چگونگی بهره‌گیری بهینه از این فضا برای تحکیم روابط خانوادگی و ارتقای سرمایه اجتماعی کمک کند.

پیشینه نظری

ماهیت فضای مجازی

فضای مجازی نوعی «فرامحلی شدن هم‌زمان» است که از طریق ارتباطات شبکه‌ای فراهم شده و فضای واحدی را در ظرف جهانی و برای همگان به اشتراک گذاشته است (عاملی، ۱۳۹۶: ۲۲ - ۲۳)؛ فضایی جهانی در متن فضای اطلاعات که از شبکه به هم وابسته با زیرساختی فناورانه شامل اینترنت، شبکه‌های مخابراتی، سامانه‌های مخابراتی، سامانه‌های کنترلگر، و پردازشگرهای جاسازی شده تشکیل شده است. مایکل هایم^۱ درباره آن این‌طور می‌گوید: «فضای مجازی چیزی بیش از یک پیشرفت مهم در رسانه‌های الکترونیک یا در طراحی هم‌کنشگر کامپیوتر است. فضای مجازی به همراه محیط‌های مجازی و جهان‌های وانموده‌اش آزمایشگاهی متافیزیکی و ابزاری برای آزمودن معنای ما از واقعیت است.» (هایم، ۱۳۹۰: ۱۵۵)؛ پیوند اطلاعات دیجیتالی و ادراک انسانی (هایم، ۱۳۹۰: ۲۶۲).

دیدگاه‌های مختلف در خصوص ماهیت فضای مجازی

در خصوص اینکه آیا فضای مجازی صرفاً ابزاری برای بشر است یا دارای ذاتی استقلالی است، سه رویکرد «ابزارگرایی» و «ذات‌گرایی» و «تعامل‌گرا» وجود دارد. در رویکرد ابزارگرایی فضای مجازی به مثابه وسیله‌ای فاقد اراده و خواست قلمداد می‌شود که نوع کارایی و ارزش آن بسته به تصمیم و عملکرد انسانی است که آن را به کار می‌بندد و ذات‌گرایی معتقد است دارای ماهیت مختص به خود است که می‌تواند در معادلات اجتماعی و ... تأثیرگذار باشد. در این میان افرادی هستند که اساساً رویکرد تقابلی میان انسان و فضای مجازی ندارند و به نوعی تأثیر و تأثر متقابل معتقدند و نیز افرادی هستند که ذات خالصی برای فناوری قائل نیستند و آن را به دست انسان قابل تغییر می‌دانند، اما، آن را ابزار صرف نیز تلقی نمی‌کنند و در معادلات اجتماعی و فرهنگی دارای وزن و تأثیر می‌دانند یا اشخاصی چون کالینگراد وجود دارند که معتقدند انسان در ساخت فناوری آزاد است، اما، در ادامه و کنترل آن تقریباً همه چیز به دست خود فناوری رقم می‌خورد.

رویکرد اول: ابزارگرا

اکثر آفرینندگان فضای مجازی قائل به این رویکرد هستند و با خنثی دانستن آن ذات مستقلی برایش در نظر نمی‌گیرند و ارزش آن را در روش استفاده از آن تعبیه می‌کنند. بنابراین فناوری صرفاً وسایل و مصنوعات است که به دست انسان آفریده می‌شود و مطابق با خواست و اراده او کاربرد خواهد داشت (شریف، ۱۳۶۷: ۴۷). تأکید این رویکرد به جای نظام و سیستم منسجم که دارای عاقله و نیروی تفکر باشد روی مصادیق و ابزار فناورانه در دست انسان است. بر این اساس تلقی فضای مجازی به عنوان ابزار تعامل نیز ذیل همین دیدگاه می‌گنجد (جوزف، ۱۳۹۳: ۶۷). این دیدگاه توجه بسیار زیادی به ابتدای فناوری بر علم و دانش نظری می‌کند. زیرا، برای به کار بردن آن در جهان فیزیکی و صورت‌دهی مادی مناسب به آن، دانش قوانین طبیعی و برخورداری از نظام علمی و تخصصی شرط است. ذیل دیدگاه ابزارگرایی دو دیدگاه مهم از شریف و پیت حائز اهمیت است.

رویکرد دوم: ذات‌گرا

ذات‌گرایی رویکردی است که فناوری را دارای ذات مستقل می‌داند و به مثابه شخص با آن مواجه می‌شود (هایدگر، ۱۳۸۹: ۱۰۰). صاحبان این دیدگاه دارای طیف‌های مختلفی هستند؛ گاه قائل به جبرگرایی سخت هستند و آن قدر قدرت فناوری را بالا می‌دانند که آن را سبب اصلی همه تحولات جهان قلمداد می‌کنند و گاه جبرگرایی نرم هستند (نصر، ۱۳۸۵: ۱۳۱) و هرچند فناوری را عامل اصلی می‌دانند آن را علت آن در نظر نمی‌گیرند و تحت تأثیر سایر عوامل محسوب می‌کنند (ایلول، ۱۳۸۸: ۵). این دیدگاه را هایدگر و ایلول و سید حسین نصر قبول دارند.

رویکرد سوم: تعامل گرا

این دیدگاه بنای فناوری و فضای مجازی را بر تعامل با انسان می‌گذارد و فارغ از اینکه ابزار است یا ذات مستقل دوگانه انسان و فناوری را دارای دیالکتیک می‌داند. از باورمندان این دیدگاه فینبرگ است که از منتقدان فناوری است، اما، نه از زمره کسانی که تنها نگاه تخریبی دارند و امیدی به اصلاح ندارند، بلکه با توجه به ابعاد گوناگون زمینه‌های تاریخی و اجتماعی و کارکردهای متعدد فناوری به دنبال ارائه نسخه‌ای بدیل برای آن است (تقوی، ۱۳۹۱: ۶۹). شاخص دیدگاه فینبرگ دخالت ارزش‌ها در طراحی و شکل‌گیری فناوری^۱ است. او بدون آنکه بخواهد چرخ‌های فناوری را متوقف کند یا از شر آن به شعر و هنر فرار کند به دنبال بدیلی برای فناوری است. با توجه به نظریه ابزارسازی فینبرگ، که تفکیک میان ابزاربودگی و ارزش‌های حاکم بر آن را امری ممکن می‌شمرد، می‌توان با تغییر ارزش‌های کنونی حاکم بر فناوری نواقص و اشتباهات آن را برطرف کرد. (فینبرگ، ۲۰۰۲: ۹۶)

سیاستگذاری فضای مجازی

از دیدگاه مفهومی «سیاستگذاری» فرایند پیچیده‌ای است که بر اساس یک الگوی نهادینه‌شده هدایت و کنترل می‌شود (Brooks, 1993: 79). این الگوی نهادینه‌شده عبارت است از کلیه حقوق، آداب و رسوم، روش‌های مورد عمل، رویه‌ها، ضوابط سازمانی، یا دیگر عناصر تثبیت‌شده در زندگی سیاسی یا اجتماعی یک ملت (اسکراتن، ۱۹۸۲: ۲۲) (Scrutten, 1982: 22). سیاستگذاری در فضای مجازی که فضایی ناپایدار و متغیر است و عناصر مختلف، مؤلفه‌های متعدد، و وجوه متفاوتی در آن تأثیرگذار است و از یک‌دیگر تأثیرپذیرند باید جامع‌نگر باشد؛ چنان که به همه ابعاد و زوایای موضوع چه از لحاظ ساختاری، چه از نظر شکلی، چه از نگاه محتوایی توجه داشته باشد. از زمره ویژگی‌های این فضا، به عنوان بستر انتقال پیام، سرعت، فراگیری، قابلیت دسترسی بی‌مرز، فرامکانی، فرازمانی، سیال بودن، تشدید واقعیت، و چندرسانه‌ای بودن است. اگر بر تعاریف مشهور سیاستگذاری رسانه‌ای^۲ که آن‌ها را «مجموعه‌ای از اصول و هنجارها برای هدایت رفتار نظام‌های ارتباطی» می‌داند یا به گفته فریدمن^۳ «مجموعه‌ای از اصول و هنجارهاست که برای راهبری سازمان‌های رسانه‌ای تدوین می‌شود» تکیه کنیم، سیاستگذاری فضای مجازی مفهومی منطبق با سیاستگذاری رسانه‌ای است و مفاهیم و مباحث علمی آن دو بر هم تطبیق می‌کند.

نظریه‌های سیاستگذاری فضای مجازی

این نظریه‌ها به عنوان چارچوب‌هایی مفهومی عمل می‌کنند که تدوین، اجرا، و ارزیابی سیاست‌هایی را که بر چشم‌انداز فضای مجازی حاکم هستند هدایت می‌کنند. این نظریه‌ها بینش‌هایی را در مورد فلسفه‌ها و اصول اساسی ارائه می‌دهند که تصمیمات مربوط به مقررات، تولید محتوا، و انتشار را تعیین می‌کنند. بسته به اینکه کدام نظریه مورد استفاده قرار گیرد، سیاستگذاری‌های متفاوتی صورت خواهد پذیرفت که هر یک در مراحل گوناگون سیاستگذاری تأثیر قطعی خواهد داشت:

نظریه آزاداندیشی^۴

تئوری آزاداندیشی سیاستگذاری بر حداقل مداخله دولت در امور رسانه‌ها و فضای مجازی تأکید دارد و جوهره آن آزادی فردگرایانه است. این نظریه بر این باور است که بازار آزاد و دسترسی نامحدود به اطلاعات منجر به بهترین نتایج برای جامعه می‌شود. بر اساس این نظریه، افراد و سازمان‌های رسانه‌ای^۵ باید در ایجاد و توزیع و مصرف محتوا بدون دخالت بی‌رویه استقلال داشته باشند و تأکید بر مفهوم فردگرایی اساس نظریه آزاداندیشی است. دولت حق محدود کردن آزادی را ندارد. درحالی که این

1. technical codes
2. media policy concept
3. Freedman
4. freethinking theory
5. media organizations

رویکرد باعث ایجاد یک چشم‌انداز پر جنب‌وجوش با دیدگاه‌های متنوع می‌شود، نگرانی‌هایی را در مورد موضوعاتی مانند تمرکزگرایی نیز ایجاد می‌کند. زیرا ممکن است نهادهای قدرتمند بر بازار به ضرر بازیگران کوچک‌تر تسلط داشته باشند.

نظریه اقتدارگرایی^۱

برخلاف نظریه‌های آزادی‌خواهانه، نظریه اقتدارگرا از کنترل قوی دولت^۲ بر رسانه‌ها و فضای مجازی حمایت می‌کند. بر اساس این نظریه «حفظ ارزش‌های حکومت و قدرت سیاسی» مطرح است. به نظر می‌رسد که دولت باید اختیار تنظیم محتوا، مالکیت، و انتشار اطلاعات را برای حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از گسترش دیدگاه‌های مخالف داشته باشد. منتقدان استدلال می‌کنند که این رویکرد می‌تواند بیان آزاد را خفه کند و تنوع دیدگاه‌ها را در جامعه محدود کند. اصول نظریه اقتدارگرایی از نظر مک کوئیل شامل تضعیف نکردن قدرت موجود، بازتاب قدرت از طریق رسانه و سیاست خبری، تبعیت از قدرت حاکم، نداشتن اعتراض و توهین به ارزش‌های غالب حکومت، و در آخر منفعل بودن خبرنگاران است (مک کوایل، ۱۳۹۰: ۱۷).

نظریه اجتماع‌گرایی^۳

نظریه اجتماع‌گرایی ادعا می‌کند که کنشگران رسانه‌ای و فضای مجازی وظیفه اخلاقی دارند که در خدمت منافع عمومی^۴ باشند و فرد را جدا از جمع و جامعه و فرهنگ نمی‌داند. این رویکرد پیشنهاد می‌کند درحالی‌که فضای مجازی باید از کنترل مستقیم دولت آزاد باشد، باید با احساس مسئولیت در قبال جامعه هدایت شود. این نظریه از استانداردهای بالای حرفه‌ای‌گری، دقت، و تعهد به ارائه طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها حمایت می‌کند. البته دولت می‌تواند در این چارچوب محدودیت ایجاد کند؛ به این معنا که اگر رسانه‌ای متعرض فرهنگ و اجتماع شود، دولت حق دارد و می‌تواند مانع آن شود.

جمع‌بندی رویکردها به فضای مجازی و سیاستگذاری آن

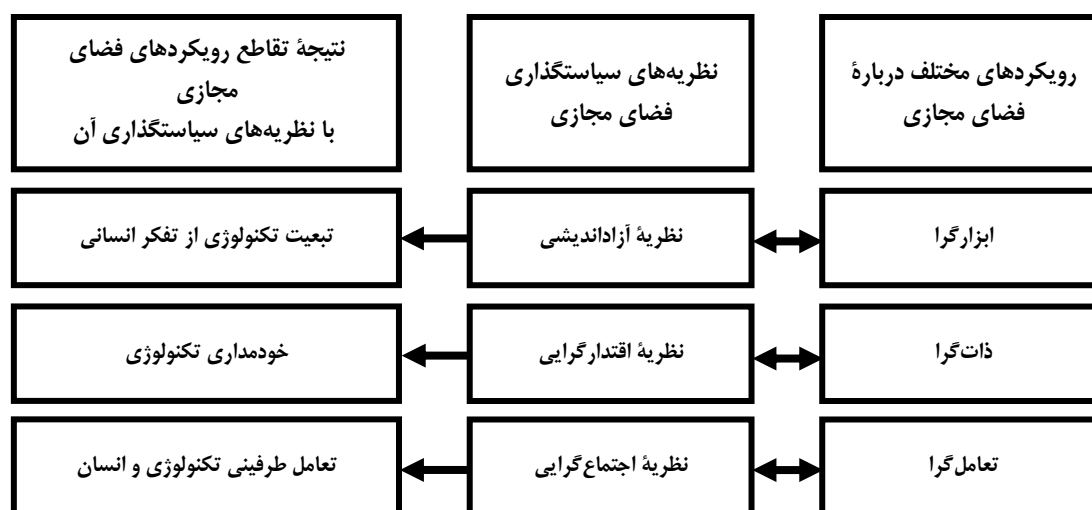
همان‌طور که از تناظر دیدگاه‌ها نسبت به فضای مجازی و سیاستگذاری آن به دست می‌آید، تقاطعی نظری میان آن‌ها وجود دارد. در هر دو حوزه، مفصل‌بندی رویکردها ما را به سه رویکرد «تبعیت فناوری از تفکر انسانی»، «خودمداری فناوری»، و «تعامل ظرفیتی فناوری و انسان» رهنمون می‌کند (ایلول، ۱۳۸۸: ۱۰).

رویکرد اول، که محصول تناظر ابزارگرایی در ماهیت فضای مجازی با آزاداندیشی در سیاستگذاری است، معتقد است فضای مجازی و سیاست‌های آن توسط اراده انسان و مبتنی بر واقعیت‌های فنی آن خصوصی شده است. در این رویکرد، فردیت بر منافع عمومی و همچنین سیاست‌های حاکمیت تقدم دارد. رویکرد دوم که به نوعی بر جبرباوری در ماهیت فضای مجازی تکیه دارد دارای نظمی درونی است که انسان را مجبور به خلق ماهیت خاصی از فناوری می‌کند. این نکته در ضرب با نگاه ساختارگرا در سیاستگذاری بدان معنا خواهد بود که این جبر طراحی ساختار قدرت برای بسط و بازتولید سلطه خویش است؛ رویکردی شبیه مکتب فرانکفورت، مارکسیسم ساختارگرا، و صنعت فرهنگی به فضای رسانه که معتقد است اساساً قدرت برای پرهیز از جنبه سخت در اعمال قدرت و کنترل‌گری خود رسانه و فضای مجازی را طراحی کرده است تا به صورت نرم و در قالبی فرهنگی دغدغه‌های خود را اعمال کند و قدرت خود را مشروعیت ببخشد و فضای مجازی سازه شکل‌گیری و بقای ساختار است (استریناتی، ۱۴۰۲، ۸۶).

به نظر می‌رسد نه اراده انسانی این‌قدر مختارانه می‌تواند فضای مجازی را شکل دهد نه بر اساس این اراده آزاد می‌توان سیاست‌هایی ناظر به فضای مجازی طراحی کرد. همچنین ساختارها نیز این میزان قدرت و مقبولیت را واجد نیستند که بتوانند ماهیت فضای مجازی و سیاست‌های آن را یکسره و بدون دخالت کنش کاربران ساخت دهند. بر این اساس رویکرد اول و دوم یعنی «تبعیت فناوری از تفکر انسانی» و «خودمداری فناوری» الگوی مناسبی برای تقاطع‌گیری ماهیت و سیاستگذاری فضای

1. authoritarian theory
2. government
3. social theory
4. public interest

مجازی نیستند. مدل سوم که قائل به «تعامل طرفینی فناوری و انسان» است در برداشتی واقع بینانه سهم اراده و ساختار یا کاربر و سیاستگذار را به نحوی طرفینی در نظر می‌گیرد و آن را حاصل تعامل بین آن‌ها می‌داند. بر این اساس این نوشتار سیاست‌های پیشنهادی را در قالب نگاهی تعاملی ترسیم می‌کند و معتقد است ماهیت فضای مجازی بر اساس دیالکتیک میان اراده انسانی و ذات فناوری شکل می‌گیرد و سیاستگذاری آن باید هم معطوف به منافع عمومی باشد هم منافع اشخاص را پی بگیرد. این خط‌مشی‌گذاری بر اساس هنجارهایی شکل می‌گیرد که فضای مجازی معطوف به آن تکیه می‌یابد و مدیریت می‌شود و از زمره این ارزش‌ها نهاد خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی است؛ چه اینکه این بنیان اساسی در آموزه‌های اسلامی و فرهنگ ایرانی نهادی مقدس دانسته می‌شود و همه ابعاد و بخش‌های جامعه درباره آن تکالیفی بر عهده دارند. چون نقش هر مسلمان در تعیین سرنوشت جامعه و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد ایجاب می‌کند که او ناظر و مراقب همه امور باشد که اطراف وی اتفاق می‌افتد (ظریفیان یگانه، الف. ۱۴۰۳: ۲۰). بر اساس آنچه در نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها نیز بر آن تأکید شده نهادها ابزاری اصلی برای دستیابی به این هدف از طریق تحقق امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و محیطی جامعه به شمار می‌آیند (بیابانی، ۱۳۹۴: ۱۴۰) و همه این نهادها بر خانواده مؤثرند. در شکل ۱ تقاطع نظری پیش‌گفته و رویکردهای منتج از آن ترسیم شده است.



شکل ۱. نتیجه تقاطع رویکردها به فضای مجازی با نظریه‌های سیاستگذاری آن

ماهیت خانواده

این نوشتار ناظر به ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده از طریق اتخاذ سیاست‌های صحیح حاکمیت درباره فضای مجازی است. از این‌رو شناخت ماهیت خانواده به‌ویژه شکل جدید آن در جهان متکثر امروز و صورت‌بندی و فهم سرمایه اجتماعی خانواده نقش اساسی در استخراج و تدوین سیاست‌های حاکمیتی که مقصود ماست دارد.

اغلب در تعاریف خانواده آن را به عنوان نهادی اجتماعی می‌دانند که دارای خصوصیتی چون محل سکونت مشترک، همکاری اقتصادی، بازتولید نسلی، حمایت از افراد خانواده، و ... است. آنچه خانواده را هم به عنوان یک سازه اجتماعی هم به عنوان ساختاری دارای اجزا قابل تعریف می‌کند معنایی است که خانواده حول آن شکل می‌گیرد. اعضای خانواده بر اساس این معنا تعاملات خود را با یک‌دیگر و انتظارشان را از همدیگر تنظیم می‌کنند. این معنا تحت تأثیر فرهنگ و ایدئولوژی و هنجارهای حاکم بر جوامع تحقق می‌یابد (چیل، ۱۳۸۸: ۸۱). این معنا همان‌طور که نیازمند تولید است باید مورد مراقبت نیز قرار گیرد تا در فرایندی تعدیل‌شده به رشد و پویایی و تعالی برسد. این معنا، که می‌توان آن را ایدئولوژی یا الهیات خانواده نامید، تعیین‌کننده واقعی از خانواده است که آن را الهی و طبیعی جلوه می‌دهد و تعیین می‌کند سیاست‌ها و خط‌مشی‌های حکمرانی به سمت حمایت و ترویج چه نوع خانواده‌ای برود؛ سازه‌ای همگون که هویت فردی، اجتماعی، و هنجاری افراد جامعه را از طریق رابطه‌ای عاطفی و پایدار شکل می‌دهد.

خانواده دوفضایی شده؛ غلبه جهان دوم بر جهان اول

خانواده دوفضایی شده واقعیتی است که به امری فرازمانی، فرامکانی، در معرض اطلاعات نامحدود، و سیال تبدیل شده و در مجموع از دو فضای موازی خانه و فراخانه، یعنی فضای مجازی، شکل یافته است. در صورت غلبه جهان دوم بر جهان اول، این خانواده دوفضایی می شود و از منفردهایی تشکیل می یابد که گاه صرفاً فقط در کنار یکدیگر زندگی می کنند و تعلق عمیق به یکدیگر ندارند و در نهایت انسجام خانواده که مهم ترین ویژگی در کسب سرمایه اجتماعی افراد از خانواده است کمرنگ می شود. چنین خانواده ای مرجعیت خود را در تربیت از دست می دهد و باید از خود در برابر مرجعیت های متعدد هویتی و ارزشی دفاع کند. البته باید توجه داشت که در این فضا موقعیت های مناسبی مانند امکان فراگیری نیز برای خانواده فراهم آمده است که این نوشتار قصد پرداخت به آن ها را ندارد.

از مهم ترین شاخص های خانواده دوفضایی شده تغییر شکل از خانواده گسترده، کم شدن روابط انسانی اعضای خانواده، تضعیف نظام سلسله مراتبی خانواده، افزایش فردگرایی و کاهش بار عاطفی خانواده، شکاف بنیادین میان ارزش های نسلی والدین و فرزندان، تحول فرایند تربیت در خانواده، کاهش اعتماد و افزایش سوء تفاهم، کاهش صمیمیت و ارتباطات عاطفی، کاهش گفت و گو، تنوع طلبی عاطفی و جنسی، دسترسی به دوستی های ناشناخته، افت اخلاقی، پرخاشگری، و ... است که در نهایت می توان از آن به انفعال خانواده یاد کرد (ظریفیان یگانه، ب. ۱۴۰۳: ۲۰۸).

خانواده و سرمایه اجتماعی

در مطالعات جامعه شناسی، زندگی خانوادگی به موازات زندگی اجتماعی به عنوان موضوع سرمایه اجتماعی قلمداد می شود. زیرا این دیدگاه به دنبال فهم و حفظ ماهیت نظم اجتماعی مرکزی است (وولکاک، ۱۹۹۸: ۳۰۳) و شبکه روابط خانوادگی و کیفیت پیوند اعضا و معانی شکل گرفته آن ارتباط مستقیم با این مسئله دارد (وینتر، ۲۰۰۰: ۱). البته دیدگاه هایی نیز خانواده را به عنوان متضاد سرمایه اجتماعی در جامعه به طور کلی می داند. زیرا پیوندهای قوی خانوادگی بر دیگر تعهدات اجتماعی غلبه می کند و پیوندهای ضعیف تر اجتماعی را از بین می برد (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۳۷). با توجه به تحقق خانواده دوفضایی، سیاست گذاری فضای مجازی به طور مستقیم و محسوس در کمیت و کیفیت سرمایه اجتماعی تأثیرگذار خواهد بود. این بدان معناست که دولت باید سیاست های خود را جهت حفظ و بهینه سازی این نهاد اجتماعی تنظیم کند.

از میان تعاریف سرمایه اجتماعی بوردیو^۱ آن را «منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند» می داند (بوردیو، ۱۹۹۳: ۲۵۱)، کلمن^۲ «جنبه هایی از ساختار اجتماعی که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود سود می برند» می داند (کلمن، ۱۹۹۰: ۱۳)، و پاتنم^۳ «اعتماد، هنجارها، و شبکه هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک اند» معرفی می کند (پاتنم، ۲۰۰۰: ۲۳). پاتنم می گوید: «بنیادی ترین شکل سرمایه اجتماعی خانواده است» (پاتنم، ۱۹۹۵: ۷۳). بوردیو خانواده را محل اصلی انباشت و انتقال سرمایه اجتماعی می داند (بوردیو، ۱۹۹۳: ۳۳) و فوکویاما ادعا می کند که «خانواده ها آشکارا منابع مهم سرمایه اجتماعی در همه جا هستند» (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۱۷).

به نظر می رسد خانواده بر اساس هر سه معنا می تواند سرمایه اجتماعی تلقی شود: ۱. هم منبعی است که منافع عمومی و سیاست گذاری های دولت در توزیع و عدالت آن را رصد می کند؛ ۲. هم حیثیتی است که انسان ها از طریق آن به منافع چون منزلت اجتماعی، برقراری ارتباطات، و ... می رسند؛ ۳. هم در مقیاس کلان دولت می تواند هنجارهای خود را از طریق خانواده ترویج دهد و سبب بهینه سازی کنش های اعضای جامعه و تحکیم و توسعه اهداف و اقتدار خود شود بدین صورت که از طریق خانواده هنجارها و شبکه هایی را طراحی و حمایت کند که سبب تحقق امر اجتماعی مطلوب خود شود (پاتزل، ۱۹۹۷: ۹۴). در نهایت می توان گفت فرضیه ضمنی این ایده است که برای یک اجتماع قوی باید خانواده هایی قوی داشت.

1. Bourdieu

2. Coleman

3. Putnam

ابعاد سرمایه اجتماعی به سه بُعد ساختاری، شناختی، و ارتباطی یک رابطه تقسیم می‌شوند که در این نوشتار منظور رابطه خانوادگی است. بعد ساختاری به شکل، نوع پیوند، و ساختار میان اعضای خانواده اشاره دارد. بعد شناختی به معانی، زبان، علائم، و روایت‌های مشترک بین ایشان می‌پردازد. و بعد ارتباطی به مسائل هنجاری مثل اعتماد، تعهدات و روابط متقابل، تعیین هویت مشترک، و ... می‌پردازد (نهایت و گوشال، ۱۹۹۸: ۲۴۲).

ابعاد اساسی خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی

بعد ساختاری

- شبکه و گستردگی خانواده

از این منظر گستردگی خانواده ارتباط مستقیمی با سرمایه اجتماعی دارد. در فضای سنتی که خانواده گسترده در برابر خانواده هسته‌ای شیوع داشت این سرمایه در سطح بالاتری محقق بود و اکنون تغییر الگوی زندگی خانوادگی و تک‌والد و کم‌فرزند شدن آن‌ها نشان‌دهنده افت سرمایه اجتماعی هستند (پاتنم، ۱۹۹۵: ۷۳). فورستبرگ در تحقیقی اشاره می‌کند ارتباط خویشاوندی و تعداد دوستان خانوادگی که در صورت وسعت روابط خانوادگی و در خانواده‌های گسترده محقق می‌شود تأثیر مستقیمی بر جوانی و امید به زندگی دارد (فورستبرگ و هیوز، ۱۹۹۵: ۵۸۷).

- نظام طبقاتی خانواده

روابط گسترده خواستار تنظیم‌گری دقیقی است که باید بر اساس نقش‌ها و جایگاه‌های افراد صورت بپذیرد. هرچند این روابط بر اساس تکالیف و وظایف صورت می‌پذیرند، گاردنر وجود سلسله‌مراتب اخلاقی در خانواده را ضروری می‌داند. این در حالی است که در نظام فردگرایی کنونی آزادی در انتخاب ارزش‌ها به معنای رفع نظام سلسله‌مراتبی اخلاقی و وجود ملاک و معیار در تعیین هنجارهاست. این سبک در تعیین هنجارها موافق با منافع دولتهایی است که همیشه می‌خواهند فرد را در تعیین اشتباه ارزش‌ها مقصر بدانند، در صورتی که همیشه خانواده محل تمرین و تربیت ارزش‌های سلسله‌مراتبی بوده است و این عملیات را بر اساس تصویر سلسله‌مراتب خانوادگی- مثل جایگاه بالای پدر و مادر، لزوم رعایت احترام از سوی فرزندان، ضرورت حمایت والدین از فرزندان، فضیلت‌هایی چون ایثار و صبر، و ... انجام داده است (گاردنر، ۱۳۸۶: ۵۶).

بعد شناختی

- هویت

هویت امری است که شخص بر اساس آن خود را تعریف می‌کند و خانواده بخش مهمی از این ساحت وجودی است. هویت مجموعه‌ای از بینش‌ها و دانش‌ها و ارزش‌هایی است که فرد از کودکی و برای اولین بار در خانواده آن را فهم و تجربه می‌کند و هویت اولیه او را شکل می‌دهد. حتی هویت ثانویه فرد که از طریق آموزش‌ها و شناخت‌های بعدی و نیز متأثر از تعامل با بیرون خانواده حاصل می‌شود در چارچوب جهان‌بینی خانواده دارای معنا می‌شود. تنوع در طیف جنسی و سیالیت هویت جنسی که به معنای انتخابی بودن تمایل جنسی است به سرعت در حال پیشرفت است. این تشویش در جوامع غربی از گناه به بیماری و سپس به وضعیت بهنجار تبدیل شده است. بدیهی است این سیر سریع عوامل مختلف روان‌شناختی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، و ... دارد. اما به وضوح روشن است سهم فضای مجازی در مشروعیت‌بخشی و عادی‌سازی آن بسیار زیاد است (عزیزی، ۱۴۰۲: ۱۶).

- معنا

اساس خانواده معنایی است که خانواده حول آن شکل می‌گیرد و افراد خانواده بر اساس آن رفتار فردی، خانوادگی، و اجتماعی خود را ساخت می‌دهند. آنچه در شکل‌گیری معنا دخالت مستقیم دارد عقاید، باورها، قدرت تعقل، تحصیلات، و هنجارهای اخلاقی اعضای خانواده به خصوص والدین است. فرسودگی معنا در خانواده به معنای کاهش سرمایه اجتماعی است؛ آنچه در معنای عمیق از زندگی خانوادگی مد نظر آن را تبدیل به نهادی اجتماعی از سویی و سازه‌های الهیاتی از سوی دیگر می‌کند. مذهب و دین عامل مهمی در شکل‌گیری معنا و افزایش سرمایه اجتماعی هستند (السمیت، ۱۹۹۵: ۳۷۰).

بعد ارتباطی

- انسجام و استحکام روابط

از ویژگی‌های مهم خانواده انسجام و احساس تعلقی است که مبنای سایر ویژگی‌های خانواده می‌شود. استحکام روابط زن و مرد از سویی و روابط والدین و فرزندان از سوی دیگر جنبه‌ای مهم از خانواده است. این انسجام سبب ایجاد و انتقال سرمایه انسانی از طریق والدین می‌شود. کلمن به این فرایند «تجسم‌یافتگی سرمایه اجتماعی در روابط خانوادگی» می‌گوید و آن را وابسته به حضور فیزیکی بزرگسالان در خانه و توجه به امر تربیت می‌داند (کلمن، ۱۹۹۰: ۳۸۴).

- همکاری افراد خانواده

کیفیت تعامل افراد خانواده با یکدیگر شاخص مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. رفتار متقابلی که بر این اساس شکل می‌گیرد صورت‌های مختلف دارد که مشارکت و همکاری معتدل‌ترین فرضی است که می‌تواند شکل بگیرد. اعتماد و احترام متقابل، فراوانی بحث با والدین در مورد مسائل شخصی از سوی فرزندان، عزت‌نفس، مسئولیت‌پذیری، و ... از زمره هنجارهایی است که بر این اساس شکل می‌گیرد و این ارزش‌های مثبت شکل‌گرفته هرچند ساحتی روان‌شناختی دارند، سازه‌ای جامعه‌شناختی هستند. زیرا با درونی‌سازی این اوصاف در افراد خانواده و انتقال آن از طریق نسل‌ها سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (پارسل، دوفور و زیتو، ۲۰۱۰: ۸۳۵).

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش با تناظر رویکردهای مختلف به ماهیت فضای مجازی، سیاستگذاری فضای مجازی، سرمایه اجتماعی، و سرمایه اجتماعی خانواده به تحلیل تأثیر فضای مجازی بر سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته شده است. در این زمینه، از میان نظریه‌های مختلف دیدگاه تعامل طرفینی مدنظر است. زیرا هم میان فناوری و انسان هم میان کاربر و حاکمیت تعادل برقرار می‌کند و منفعت فرد و جامعه را هم‌زمان در نظر می‌گیرد. همچنین خانواده در سه بعد ساختاری، شناختی، و ارتباطی به عنوان سرمایه اجتماعی ملاحظه می‌شود و حاکمیت با راهبردهای مبتنی بر رویکرد تعامل در قلمرو ماهیت فضای مجازی و نیز سیاستگذار آن می‌تواند به ارتقای این سرمایه اقدام کند.

روش تحقیق

این مقاله با روش تحلیل محتوا مبتنی بر رویکرد کیفی به بررسی موضوع حکمرانی فضای مجازی و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده می‌پردازد. در این زمینه، از منابع مختلفی از جمله کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های پژوهشی، و اسناد سیاستی استفاده شده است.

سؤال تحقیق

سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که کاربست چه سیاست‌ها و راهبردهایی در عرصه حکمرانی فضای مجازی به تقویت و ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده منجر می‌شود؟

گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های مورد نیاز، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به این منظور، ابتدا با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش - مانند فضای مجازی، سرمایه اجتماعی، خانواده، حکمرانی، سیاستگذاری - جست‌وجویی در پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های آنلاین انجام شد. سپس، منابع مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی و جمع‌آوری شدند.

تحلیل داده‌ها

فضای مجازی، چه در چنبره اراده انسانی باشد چه اراده انسانی را مقهور خود کند، برای جهان انسانی تولید معنا می‌کند و به

واسطه واقعیت نمادین خود این انتقال را شدت و مقبولیت می‌بخشد. آنچه روشن است دخالت مستقیم و اثرگذار این جهان بر نظام هنجاری است؛ نظامی که در خانواده شکل می‌گیرد، در اجتماع ساخت می‌یابد، و در بازگشتی دیالکتیکی خانواده را نیز هنجار می‌بخشد. آنچه در این میان واجد اهمیت است سهم حاکمیت در کنترل و بهبود این اوضاع است. هرچند فرهنگ امری قابل مدیریت به نحو دستوری نیست، وظیفه حاکمیت پویا ایجاد زمینه‌ها و اقتضائات لازم جهت حرکت در ارتقای خانواده در دوران کنونی است.

باید پذیرفت که خانواده کنونی در دو جهان موازی، که هر دو واقعی‌اند و منجر به رفتارها و کنش‌های خارجی تأثیرگذار می‌شوند، زیست می‌کند و رویکرد سلبی و فرار از این زیست‌بوم راه‌حلی مناسب و دائمی برای این وضعیت نخواهد بود. معرفت و کسب آگاهی نسبت به ابعاد این خانواده دوفضایی و تلاش برای ورود محتوایی و تأثیرگذاری ایجابی در آن، تأکید بر حفظ مقومات خانواده و ارزش‌های آن در هر دو فضا، توجه سیاستگذاران به ارزش‌های اصیل و هماهنگی جنبه محتوایی رسانه در جایگاه مدیریتی آن، و نیز ورود میانجی‌ها و الگوهای هویتی عمیق مانند جامعه نخبگانی به جای سلبریتی‌ها از زمره اموری است که می‌تواند خانواده را به عنوان عنصری تمدن‌ساز در جهان کنونی حفظ کند و ارتقا بخشد.

خانواده به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی هم برای فرد هم برای حاکمیت سرمایه‌ای اجتماعی محسوب می‌شود و اندیشمندان این حوزه از علوم اجتماعی نیز به این امر تصریح کرده‌اند. آنچه از خانواده به عنوان سرمایه اجتماعی متصور است بعد ساختاری و شناختی و ارتباطی آن است که باید مورد توجه سیاستگذاران و نیز خود خانواده و اجزای آن قرار گیرد. به لحاظ شکل ساختاری و گستره خانواده، که دو صورت خانواده گسترده و هسته‌ای را شامل می‌شود، فرض گسترده هم حوزه ارتباطات بیشتری را در بر می‌گیرد هم ظرفیت عاطفی و هنجاری وسیع‌تری را در اختیار خانواده و سیاستگذار جهت ارتقای سرمایه اجتماعی قرار می‌دهد؛ واقعیتی که چالش‌های عظیم جهانی همچون سالمندی، گرایش به فردیت و درون‌گرایی، افسردگی، و فقدان جنبه‌های حمایتی امروزین را می‌تواند سامان بخشد. همچنین نگاه معنایی داشتن به فضای مجازی و نیز تأکید بر معناگرایی به خانواده در انسجام و هویت آن راهبردی اساسی به منظور تقییم و تقویم این سرمایه اجتماعی است. باید دانست که خانواده بر اساس معنا شکل می‌گیرد و اعضای آن بر مبنای همان روابط خود را با یک‌دیگر تنظیم می‌کنند و دارای هویت فردی و اجتماعی می‌شوند. نگاه ابزاری صرف به فضای مجازی، بدون توجه به معنایی که در درون آن نهفته است، هیچ‌گاه نمی‌تواند با لایه شناختی و معنایی خانواده ارتباط برقرار کند؛ در نتیجه حاصل توازی این دو نگاه معناگرا ارتقای سرمایه اجتماعی ناظر به خانواده خواهد بود. همچنین هنجارها و نوع روابطی که در خانواده شکل می‌گیرد از ابعاد قابل سرمایه‌گذاری از سوی سیاست‌گذاران است. منزلت مقام پدری، تقدس جایگاه مادری، اهمیت تربیت و فرزندپروری، احترام به خویشاوندان، مسئولیت‌پذیری و مشارکت جمعی، حساسیت‌های صحیح اجتماعی، و ... ارتباطاتی است که اگر فرد در خانواده با اهمیت و روش صحیح آن آشنا شود در اجتماع نیز شهروند و نیروی اجتماعی مطلوبی خواهد بود. در این میان فرهنگ شهرت و سست شدن معیارهای الگو آسیمی جدی برای همه ابعاد خانواده است. زیرا هم محتوا و شناخت افراد خانواده را هم نوع روابط و هنجارها و ساختارهای آن را به چالش می‌کشد. تنزل خانواده از مقام مرجعیت و الگودهی، قبح‌زدایی برخی هنجارها که سلبریتی‌ها خود را ملزم به رعایت آن نمی‌دانند، ترویج الگوهای غیر مرسوم روابط فرازنشویی، تنوع مدل‌های تشکیل خانواده، و ... از زمره این آسیب‌هاست که سیاست‌گذاران اگر به دنبال سرمایه اجتماعی سالم و معتدلی برای خود هستند باید این وضعیت و تأثیری که بر ابعاد مختلف خانواده دارد را مورد بررسی و اصلاح قرار دهند.

در نهایت می‌توان گفت ماهیت فضای مجازی نه یکسره به دست اراده انسانی است نه دارای جبر فناورانه است؛ بلکه ماهیتی تعاملی میان انسان و فضای مجازی وجود دارد که هر یک بر تکنون و ویژگی‌های دیگر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم می‌گذارد. بر این اساس سیاستگذاری آن نیز نه مبتنی بر لیبرالیسم و اراده آزاد بشری ممکن است نه مقهور قدرت و اقتدار ساختارها و سیاستگذاران است، بلکه بر اساس شیوه‌ای تعامل گونه میان فرد و اجتماع و سیاستگذار رقم می‌خورد که هم منفعت‌های اجتماع و هم فرد را در نظر داشته باشد. ضرب این نگاه‌ها در یک‌دیگر این امکان را به سیاستگذاران حوزه فضای مجازی می‌دهد تا با در نظر داشتن ماهیت فضای مجازی و منفعت کاربران و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنند خانواده را به عنوان سرمایه‌ای اجتماعی

در نظر داشته باشند و برای ارتقای آن راهبرد و سیاست طراحی کنند. تقویت و ارتقای هسته معنایی، شکل ساختاری و نوع ارتباطات خانواده، و تلاش برای روزآمدسازی آن امری است که می‌توان از فضای مجازی برای آن یاری گرفت. مهم آن است که بدانیم با سیاستگذاری‌های صحیح خانواده، به عنوان پناهگاهی امن برای اعضای خود، مأمونی عاطفی و شناختی و ارتباطی جهت شکل‌گیری و جهت‌دهی به ذائقه خلقی اعضای خود است؛ اعضای که شهروندان تراز جامعه جهانی خواهند بود.

پس از گردآوری داده‌ها، با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تحلیل و بررسی داده‌ها پرداخته شد. در این زمینه، ابتدا مفاهیم کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش مانند «فضای مجازی»، «سرمایه اجتماعی»، «خانواده»، «حکمرانی»، و «سیاستگذاری» تعریف و تبیین شدند. سپس، با استفاده از این مفاهیم، به تحلیل و بررسی محتوای منابع گردآوری‌شده پرداخته شد.

در این پژوهش، از سه رویکرد اصلی برای تحلیل موضوع استفاده شده است.

- رویکرد ابزارگرایی، ذات‌گرایی، و تعامل‌گرایی در خصوص ماهیت فضای مجازی؛

- رویکرد لیبرالیسم، اقتدارگرایی، و اجتماعی‌گرایی در سیاستگذاری فضای مجازی؛

- بررسی تأثیر این رویکردها بر سرمایه اجتماعی خانواده.

با ترکیب این سه رویکرد، به تحلیل و بررسی موضوع و در نهایت به ارائه پیشنهادهایی برای سیاستگذاری در فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده پرداخته شد.

پیشنهادهای سیاستی

چنان که گذشت، مسئله اصلی این نوشتار بررسی راهبردهای حاکمیت برای سیاستگذاری مطلوب فضای مجازی با هدف ارتقای سرمایه اجتماعی خانواده است. سیاست‌هایی که تاکنون در ایران اتخاذ شده است مانند تأسیس پلیس فتا (پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات)، مقررات و ضوابط مصوب شورای عالی فضای مجازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، و دیگر شوراها و مجامع بیشتر مبتنی بر رویکردهای سلبی است که اشاره به فعالیت‌های ممنوعه دارد. به نظر می‌رسد، هرچند با سال‌ها تأخیر و خسارت و هرچند دیر هنگام، باید به سیاست‌های ایجابی توجه ویژه‌ای کرد. موارد زیر ناظر به ابعاد سه‌گانه ساختاری، شناختی، ارتباطی پیشنهاد می‌شود.

تقویت رویکرد نظری معناگرا به فضای مجازی با هدف ارتقای بعد شناختی

فضای مجازی به مثابه ساخته نوپدید بشری که رفتار مردم در سطح عمومی جامعه را شکل می‌دهد. برخی رویکردها، مانند پست‌مدرنیسم، قائل به معنایی نظام‌مند در ورای این فضای مجازی نیست و مظاهر آن را صرفاً ابزاری ساخته‌شده توسط بشر قلمداد می‌کند. این در حالی است که رویکردهایی چون مکتب فرانکفورت و سوسیالیسم یا فمینیسم قائل به نظام معنایی هستند که البته از سوی نظام سلطه جهانی به طراحی و مدیریت فضای مجازی می‌پردازد. در این میان افرادی مانند جان استوری و استریناتی نگاهی ایجابی به وجود معنا دارند؛ بدین معنا که می‌توان در دیالکتیک با عینیت‌ها معانی‌ای مشترک شکل داد که هم منفعت عمومی را در نظر داشته باشد هم دغدغه‌های سیاستگذار را در قالب نظامی معنایی پیگیری کند (استریناتی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). این بدان معنا خواهد بود که خانواده به مثابه سرمایه اجتماعی یکی از ارکان نظام معنایی فضای مجازی هستند و سیاستگذاران با توجه به ابعاد ساختاری و شناختی و ارتباطی خانواده می‌توانند سرمایه اجتماعی خود را در قالب معانی منعکس‌شده در این فضا ارتقا بخشند.

شناسایی و بازبانی نظام خانواده دوفضایی با هدف ارتقای بعد ساختاری

خانواده دوفضایی باید بپذیرد اکنون در جهانی بدون مرز و متشکل از فرهنگ‌های هم‌سو و ناهم‌سو زیست می‌کند و برای ادامه حیات خود مبتنی بر ارزش‌های اصیل باید هم عناصر اصلی آن را بشناسد هم بر اساس شرایط موجود بازبانی کند. نقش زن و مرد در خانواده و رابطه تربیتی آن‌ها با فرزندان نیازمند الگوی تربیتی است که به‌رغم فضای شبکه‌ای قدرت بازنمایی ارزش‌های مطلق و پایه و نیز نظام سلسله‌مراتبی را داشته باشد. در شرایط کنونی تأکید بر هویت تعلقی افراد خانواده و نیز استفاده بیشتر از

گفت‌وگو و مشورت‌های بین‌خانوادگی ترکیبی جدید و میانه نظام خطی و شبکه‌ای شکل می‌دهد که در آن هرچند قوامیت مرد پذیرفته می‌شود، افراد به عنوان شبکه مشورتی و تصمیم‌ساز در امور ورود می‌کنند و صاحب مسئولیت هستند. همچنین خانواده باید متوجه تأثیر مستقیم و فزاینده فضای مجازی بر خود باشد و با تنظیم حدود و ثغور آن از فرسایش خود جلوگیری کند. سطح دسترسی فرزندان به شبکه‌های اجتماعی، مدیریت والدین بر استفاده خود از فضای مجازی، و ... از زمره امور قابل توجه و مذاقه است. سیاستگذاران و فعالان فضای مجازی نیز باید بدانند حرکت برخلاف معنای خانواده طبیعی و نیز هندسه رابطه و جایگاه زن و شوهر و والدین و فرزندان در زمره خط قرمزهاست. بر این اساس محتوایی که نقش پدر یا مادر را تحقیر و گونه‌های غیر طبیعی خانواده را تجویز و وظایف زن و شوهر را تحریف می‌کند اساساً ضد ارزش تلقی می‌شود و نباید پخش شود و رواج یابد. در شرایط موجود تنظیم‌گری غیر سطحی و محتوایی فضای مجازی توسط حاکمیت کمتر مورد اهتمام است.

اولویت‌بخشی به جامعه نخبگانی با هدف ارتقای بُعد شناختی خانواده

از جامعه‌ای که در آن فرهنگ هواداری و فرهنگ شهرت با الهام از سبک زندگی غربی رونق دارد و اقبال رسانه‌ها به‌خصوص فضای مجازی به سوی سلبریتی‌ها و چهره‌های ورزشی و هنری است نمی‌توان انتظار الهام‌بخشی و تمدن‌سازی داشت. هرچند این قلمروها و نقش‌آفرینان آن‌ها، که برخی صلاحیت الگوسازی دارند، در جای خود ارزشمندند، عدم توجه و سرمایه‌گذاری روی نخبگان جامعه را نامتوازن می‌کند و به پیکره خانواده نیز صدمه می‌زند. با توجه به این عدم توازن در جامعه ما، حاکمیت به عنوان سیاستگذار و تسهیلگر و همچنین خانواده‌ها باید اقبال افراطی و بی‌منا به سلبریتی‌ها و استفاده بی‌مرز از تولیدات آن‌ها در فضای مجازی را مدیریت کنند و منزلت نخبگان و مفاخر را پاس دارند. تدبیر در این خصوص با نگاه ایجابی به رویکردها و اولویت‌های فعالیت سکوهای مجازی در عرصه‌های مختلف از جمله حمایت از تولیدات سینمایی، مکتوب، و ... که به جامعه نخبگانی و مفاخر توجه ویژه دارند ضرورت دارد.

حمایت از تولید محتوا توسط خانواده با هدف ارتقای بعد ارتباطی آن

یکی از کاستی‌های موجود در فضای مجازی تولید محتوای سازنده و انتشار آن است. خانواده دوفضایی می‌تواند به سوی تولید محتوا در فضای مجازی و الگوسازی مبتنی بر آن حرکت کند. در غیر این صورت عملاً در موقعیت مصرف‌کننده صرف باقی می‌ماند. این اقدام خانواده را در جهان دوم فعال و پویا و اثرگذار می‌کند و موجب خودشکوفایی آن می‌شود.

تقویت شناخت فضای مجازی در خانواده با هدف ارتقای بعد شناختی آن

شناخت فضای مجازی امری است فراتر از آنچه در این سال‌ها به عنوان سواد رسانه‌ای از آن یاد می‌شود. حرکت از سواد دانشی به سواد تحلیلی است و در نهایت استقرار در یک فهم پایدار که ناظر به نظام فکری است و فرد قوه شناخت عمیق و پایدار پیدا می‌کند؛ چنان که مرز میان صحیح و ناصحیح را مبتنی بر شناخت نظام فکری خاص تشخیص دهد. این تحلیل و شناخت مبتنی بر کنش عقلانی و درک غایت از هستی با نفی نگاه فردگرایانه شکل می‌گیرد و ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر آن را هدف قرار می‌دهد. سیاستگذاری حاکمیت در فضای مجازی باید تقویت مقاومت در خانواده امروز را به عنوان یک اصل مهم قرار دهد و از امکانات موجود برای این مهم بهره گیرد.

منابع

- استریناتی، دومینیک (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه. مترجم: ثریا پاک‌نظر. تهران: کتابخانه فروردین.
- ایلول، ژاک (۱۳۸۸). «خودمداری پدیده تکنولوژیک». مترجم: ایرج قانونی. *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۷، ۸ - ۱۵.
- برون، مهرداد (۱۳۹۸). فضای مجازی و آسیب‌های آن در نظام خانواده. *زندگی محض*، ش ۲۰، ۷۹ - ۱۰۷.
- بیابانی، غلام‌حسین؛ سلطانی‌فر، محمد؛ مظفری، افسانه و هاشمی، شهناز (۱۳۹۴). بررسی کارکرد نظریه مسئولیت اجتماعی و رسانه. *توسعه اجتماعی*، د ۹، ش ۴، ۱۳۵ - ۱۶۰.
- تقوی، مصطفی (۱۳۹۱). دو سطح بدیل‌اندیشی برای تکنولوژی. *روش‌شناسی علوم/انسانی*، ۵۳ - ۸۴.
- جوزف سی، پیت (۱۳۹۳). در باب تکنولوژی مبانی فلسفه تکنولوژی. مترجم: مصطفی تقوی. تهران: کتاب آمه.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). *خانواده‌ها در دنیای امروز*. مترجم: محمدمهدی لبیبی. تهران: نقد افکار.
- شریف، نواز (۱۳۶۷). *مدیریت انتقال تکنولوژی و توسعه*. مترجم: رشید اصلانی. تهران: مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات.
- ظریفیان‌یگانه، محمدحسین (۱۴۰۳). الف بررسی و نقد عینیت‌گرایی در رسانه با تأکید بر مکتب اخلاقی اسلام. *دین و ارتباطات*، د ۳۱، ش ۶۷، ۶۸ - ۹۸.
- ظریفیان‌یگانه، محمدحسین (۱۴۰۳). ب مجموعه چکیده مقالات همایش بین‌المللی خانواده مقاوم و چالش‌های اخلاقی در جهان متحول. قم: انتشارات پژوهشکده زن و خانواده.
- عاملی، سید سعیدرضا (۱۳۹۶). *فلسفه فضای مجازی*. تهران: امیرکبیر.
- عزیزی ابرقویی، محسن (۱۴۰۳). *منهای خانواده*. تهران: بین‌الملل.
- کشمور، الیس (۱۳۹۵). *فرهنگ شهرت*. مترجم: احسان شاه‌قاسمی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- کیان‌آباد، احسان (۱۳۹۸). چالش‌های راهبردی حکمرانی با گسترش فضای سایبر. *امنیت ملی*، س ۹، ش ۳۴، ۱۵۳ - ۱۷۴.
- گاردنر، ویلیام (۱۳۸۶). *جنگ علیه خانواده*. ترجمه و تلخیص: معصومه محمدی. قم: پژوهشکده زن و خانواده.
- مک‌کویل، دنیس (۱۳۹۰). *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*. مترجم: پرویز اجاللی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*. مترجم: ان‌شاءالله رحمتی. چ ۲. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- هات، جان اف (۱۳۸۵). *علم و دین، از تعارض تا گفت‌وگو*. مترجم: بتول نجفی. قم: طه.
- هایدگر، مارتین (۱۳۸۹). «پرسش از تکنولوژی» از مجموعه مقالات کتاب *فلسفه تکنولوژی*. مترجم: شاپور اعتماد. تهران: مرکز.
- هایم، مایکل (۱۳۹۰). *متافیزیک واقعیت مجازی*. مترجم: سروناز تربتی. تهران: رخداد نو.
- الوانی، سید مهدی و سید نقوی، میرعلی (۱۳۸۱). *سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها*. مطالعات مدیریت، د ۹، ش ۳۳ و ۳۴، ۲۶ - ۹.
- Alvani, S. M. & Seyyed Naqvi, M.A. (2002). Social Capital: Concepts and Theories. *Quarterly Journal of Management Studies*, Vol. 9, No. 33 & 34, 9-26. (in Persian)
- Ameli, S. S.R. (2017). *Philosophy of Cyberspace*. Tehran: Amir Kabir. (in Persian)
- Azizi Abarghoi, M. (2014). *Minus the Family*. Tehran: International Press. (in Persian)
- Biyabani, Gh.H., Sultanifar, M., Mozaffari, A., & Hashemi, Sh. (2015). Investigating the Function of Social Responsibility Theory and Media. *Social Development Quarterly*, Vol. 9, Issue 4, 135-160. (in Persian)
- Boron, M. (2019). Cyberspace and its harms in the family system. *Pure Life Quarterly*, Issue 20, 79-107. (in Persian)
- Bourdieu, P. (1993). *Sociology in Question*. London: Sage.
- Brooks, S. (1993). *Public Policy in Canada*. Toronto: McClelland Stewart.
- Chil, D. (2009). *Families in Today's World*. Translated by Mohammad Mehdi Labibi. Tehran: Naqd Afkar. (in Persian)
- Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge Mass: Belknap Press of Harvard University Press.
- Feenberg, A (2002). *Transforming Technology: A Critical Theory Revisited*. New York: Oxford University Press (210); Albany: State University of New York Press.
- Fukuyama, F. (1999). *The Great Disruption: Human Nature and the Reconstitution of Social Order*. New York: Free Press.
- Furstenberg, F. (1995). Social capital and successful development among at-risk youth. *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 57, 580-592.
- Gardner, W. (2007). *War Against the Family*. Translation and Summary of Masoumeh Mohammadi. Qom: Women and Family Research Institute. (in Persian)

- Heidegger, M. (2009). *The article Questioning Technology from the collection of articles in the book Philosophy of Technology*. Translated by Shapour Etemad. Tehran: Markaz Publishing House. (in Persian)
- Heidegger, M. (1983). *Heble- Friend of the House*. Pennsylvania State University Press. Vol. 3.
- Heim, M. (2011). *Metaphysics of Virtual Reality*. Translated by Sarvnaz Torbati. Tehran: Rukhdad No. (in Persian)
- Hutt, J. F. (2006). *Science and Religion, From Conflict to Dialogue*. Translated by Batul Najafi. Qom: Taha Publications. (in Persian)
- Ilul, J. (2009). Self-reliance as a technological phenomenon. Translated by Iraj Qanooni. *Specialized Scientific Monthly Information, Wisdom and Knowledge*, Issue 7, 8-15. (in Persian)
- Joseph, C. P. (2014). *On Technology: Fundamentals of the Philosophy of Technology*. Translated by Mustafa Taghavi. Tehran: Ketab Ame. (in Persian)
- Kashmor, E. (2016). *The Culture of Fame*. Translated by Ehsan Shah Ghasemi. Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute. (in Persian)
- Kianabad, E. (2019). Strategic Challenges of Governance with the Expansion of Cyberspace. *National Security Quarterly*, Year 9, Issue 34, 153-174. (in Persian)
- McQuail, D. (2011). *An Introduction to Mass Communication Theory*. Translated by Parviz Ajlali. Tehran: Media Studies and Research Center. (in Persian)
- Nahapiet, J. & Ghoshal, S. (1998). Social Capital, Intellectual Capital and the Organizational Advantage, *Academy of Management. The Academy of Management Review*, 3, 242-266.
- Nasr, S. H. (2006). *Islam and the Constrictions of Modern Man*. Translated by Insha Allah Rahmati. Second Edition. Tehran: Sohrevardi Research and Publishing House. (in Persian)
- Parcel, T. L., Dufur, M. J., & Zito, R. C. (2010). Capital at home and at school: A review and synthesis. *Journal of Marriage and Family*, 72, 828-846
- Putnam, R. D. (1995). Bowling alone: America's declining social capital. *Journal of Democracy*, Vol. 6, No. 1, 65-78.
- (1996). The strange disappearance of civic America. *Policy*, Autumn, 3-15.
- (1998). Foreword. *Housing Policy Debate*, Vol. 9, No. 1, v-viii.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. United States: Simon & Schuster.
- Putzel, J. (1997). Accounting for the "dark side" of social capital: reading Robert Putnam on democracy. *Journal of International Development*, Vol. 9, No. 7, 939-949.
- Scrutten, R. (1982). *A Dictionary of Political Thought*. London: Pan Books.
- Sharif, N. (2010). *Management of Technology Transfer and Development*. Translated by Rashid Aslani. Tehran: Center for Economic-Social Documents and Publications. (in Persian)
- Taghavi, M. (2012). Two Levels of Alternative Thinking for Technology. *Journal of the Methodology of Humanities*, 53-84. (in Persian)
- Whittaker, J. (2004). *The Cyberspace Handbook*. London and New York: Routledge.
- Winter, Ian Towards a theorised understanding of family life and social capital, 2000, Australian Institute of Family Studies, Australia.
- Woolcock, M. (1998). Social capital and economic development: toward a theoretical synthesis and policy framework. *Theory and Society*, Vol. 27.
- Zarifian-Yeganeh, M.H. (2014).b *Collection of Abstracts of the International Conference on the Resilient Family and Moral Challenges in a Changing World*. Qom: Women and Family Research Institute Publications. (in Persian)
- Zarifian-Yeganeh, M.H (2014).a Review and Criticism of Objectivism in the Media with Emphasis on the Moral School of Islam. *Journal of Religion and Communication*, Vol. 31, Issue 65, 67-98. (in Persian)